



به یاد فرهیخته تاجیک، رحیم مسلمانیان قبادیانی پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی تاجیکی

پدیدآورنده (ها) : همدانی، آرزیتا

ادبیات و زبانها :: نشریه بخارا :: مهر و آبان ۱۳۹۵ - شماره ۱۱۴

صفحات : از ۴۸۷ تا ۴۹۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1423936>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۱/۲۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- چهره ی تابناک علم و ادب تاجیک پروفیسور محمدجان شکوری
- ای شعر من ز هستی من یادگار باش
- مکتوبی از مجتبی مینوی به عباس اقبال
- سهراب در سپهر شعر تاجیک
- هوای راه دگر دارم...
- شاهنامه می خوانم
- شعر: از هرگز تا همیشه
- رابطه های ادبی ایران و تاجیکستان و تأثیر آن بر شعر نو تاجیکستان
- در این زمین زیبای بیگانه
- هوای رفتن دارم
- مرا بردند . . .
- یادداشتهایی درباره کلک

عناوین مشابه

- سهم کشمیر در ترویج و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی (۱) (به یاد استاد بزرگوار و فقید شادروان غلامحسین یوسفی، استاد زبان و ادبیات فارسی، مشهد، ایران)
- طرح اعطای راتبه‌ی تحصیلی دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان کشورهای فارس زبان(افغانستان، تاجیکستان و بخشی از ازبکستان) و غیر فارسی زبان شبه قاره، آسیای مرکزی ، قفقاز و ترکیه
- گزارشی از زبان و ادبیات فارسی در کشورهای دیگر (نگاهی گذرا به برخی مقالات و کتاب ها همایش ها و دوره های آموزشی و ایران شناسان در چند سال اخیر)
- دو پیشنهاد به وزارت علوم دربارهٔ مقالات علمی پژوهشی (مورد مثال: رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی)
- معرفی تخصصی و روش شناسانه؛ ((اولین ترجمه علمی- گروهی قرآن کریم به زبان فارسی تاجیکی))
- زبان فارسی: به همدلان و همزبانان تاجیک
- مشکلات ترجمه ادبیات فارسی معاصر به زبان لهستانی (بر اساس رمان "طوبی و معنای شب" شهرنوش پارسی پور)
- روسی های علاقه مند به زبان و ادب فارسی(گزارشی از وضعیت زبان و ادبیات فارسی در برخی از دانشگاه های روسیه)
- چگونه دانش آموزان را به زبان و ادبیات فارسی علاقمند کنیم
- گزارش: نگاهی به سابقه و موقعیت کنونی آموزش زبان و ادبیات فارسی در چین

به یاد فرهیخته تاجیک، رحیم مسلمانیان قبادیانی پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی تاجیکی

۴۸۷

بخارا
سال هجدهم
شماره ۱۱۴
مهر - آبان
۱۳۹۵

زمستان ۱۳۸۳ بود که به دیدار دکتر رحیم مسلمانیان قبادیانی در مرکز دانشنامه جهان اسلام در خیابان فلسطین رفتم. استاد را به عنوان مشاور دوم پایان نامه دکتری ام با عنوان: «بررسی جامعه شناختی یادداشت های صدرالدین عینی» به گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران پیشنهاد داده بودم که موافقت نهایی گروه به پذیرش و امضای ایشان منوط گشت. قامت بلند استاد قبادیانی در پشت میزی که با انبوهی از کتاب و مقاله پوشیده شده بود به سختی دیده می شد و من نمی دانستم روزهای پرکاری این ادیب فرهیخته بر اثر شروع بیماری فراموشی به سر آمده است. از هم تاقی اش به رسم ادب عذر خواست و به احترامم تمام قامت از جای برخاست و چهره مهربان و نورانی اش را با لبخندی گشاده تر ساخت و مرا بر صندلی ای در میان تلی از کتاب و نسخ خطی که در پایین میزش چیده شده بود نشاند. او خوشحال بود از اینکه برای اولین بار در ایران پایان نامه دانشگاهی به صدرالدین عینی اختصاص داده می شود و خرسند از اینکه به عنوان استاد مشاور انتخاب شده بود. بی مقدمه به سراغ عینی رفت و با لهجه شیرین فارسی تاجیکی و صدایی گرم و ملایم در باب عینی سخن گفت و من سراپا گوش لهجه شیرینش بودم. گویا عینی بود که سخن می گفت. سپس ضمن امضای برگه های پروپزال از کتاب های خود که دم دستش بود چند تایی را با خط زیبایش نوشت و به من هدیه کرد. دیری نگذشت که بیماری فراموشی استاد اندک



• آخرین حضور دکتر رحیم مسلمانیان قبادیانی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

اندک خود را نشان داد و اشارات و نکته‌های مفیدش به تدریج کم و کمتر شد. پس از چندی نه به محل کارش، بلکه به منزلش - که برای من بسی دور بود - می‌رفتم که بتوانم مشاوره‌ای از ایشان گرفته و در ضمن نسخه‌ای از فصل‌های پایان‌نامه را جهت اطلاع و مطالعه به ایشان تقدیم کنم. همسر مهربانش هر بار با خوشرویی و مهربانی پذیرایم می‌شد. در روز دفاعیه، استاد اولین کسی بود که به جلسه آمد. کتابی نیز در دست داشت که به کتاب‌های اهدایی‌اش به این شاگردش اضافه شد. به احترامش در جلسه، او اولین کسی بود که سخن گفت، اما نه از پایان‌نامه، بلکه از تاجیکستان گفت و از کتاب‌های خودش و بخصوص کتابی که آن روز با خود به همراه داشت. از دردهای ملت تاجیک گفت و آرزوهای بر باد رفته‌شان. به دل نشست. گویا مروری شفاهی بود بر یادداشت‌های صدرالدین عینی. بدین ترتیب استاد برای آخرین بار در یک محفل آکادمیک سخن گفت و نامش به عنوان مشاور دوم، پایان‌نامه مرا اعتبار و زینت بخشید. به رسم مألوف پس از دفاعیه و انجام روال اداری حق‌الزحمه اساتید پرداخت می‌شد؛ اما متأسفانه بخش امور مالی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در باب



• دکتر رحیم مسلمانان قبادیانی و دکتر منوچهر اکبری

پرداخت دستمزد به ایشان به بهانه اینکه استاد حکم هیأت علمی ندارد و نمی‌توان خارج از آیین‌نامه به ایشان حق‌الزحمه پرداخت نمود اهمال کرد. پیگیری‌های چندماهه و مداوم بی‌نتیجه نماند و دانشکده با گذاشتن جلساتی! پرداخت مبلغی ناچیز! به استاد را تصویب! کرد که آن نیز منوط به امضای ایشان بود. بیماری استاد در این زمان بیشتر شده و گرفتن امضاء مشکل بود. با تماس‌های تلفنی و هماهنگی با دختر ایشان که آن روزها در سفارت تاجیکستان در ایران کار می‌کرد برای گرفتن امضاء و تقدیم نسخه‌ای از رساله برای بار آخر راهی منزل ایشان شدم، اما به نظر می‌رسید که او مفهوم امضاء و رقم و اعداد را از خاطر برده است. فرهیخته تاجیک در گوشه‌ای از ایوان وسیع خانه در زیر نور آفتاب بر صندلی‌ای لمیده و به دوردست‌ها خیره شده بود. مرا نشناخت. دردناک بود. همسرش پا پیش گذاشت، برگه را گرفت و امضاء کرد و نسخه صحافی شده رساله‌ام را در طاقچه ایوان گذاشت و با زبان شیرین تاجیکی به پذیرایی تعارفم کرد؛ اما خاطر دردناک من خداحافظی را بر هر توقفی ترجیح داد. پس از آن شنیدم که پژوهشگر ایران‌دوست به تاجیکستان بازگشته و این چقدر بجا

بود. دیگر از حال استاد خبر نداشتیم تا اینکه دوستی نازنین مرا از کوچ ابدی او باخبر ساخت. سیزدهم تیر ماه سال ۱۳۹۵ استاد در دوشنبه پس از هشتاد سال زندگی پرفراز و نشیب به خاک سپرده شد.

استاد قبادیانی - چون دو هموطن دانشمندش، استادان محمد جان شکوری و عبدالمنان نصرالدین اف - نماد محبوب کشور تاجیکستان در ایران بود. او نه تنها در حوزه پژوهش و تحقیق بسیار کوشش کرد، بلکه مظهر مهربانی، خونگرمی، صداقت و اصالت تاجیکان نیز بود. از تعداد مقالات و کتاب‌هایش نیک پیداست که بی‌وقفه می‌خواند و می‌نوشت از بن جان نه برای نام و نان که به نظر می‌رسید درخور زحماتش نبود.

مهاجرت به ایران در سال ۱۳۷۲ نقطه عطف شکوفایی ایشان بود. آغوش مام وطن و خاک پاک نیاکان به روی استاد گشاده بود و او توانست به خوبی از این فرصت استفاده کرده و فرهنگ تاجیکان را که دهه‌ها پشت حصار آهنین به فراموشی سپرده شده بود به ایرانیان بشناساند.

در مجامع علمی و دانشگاهی همه با احترام از او یاد می‌کردند. شخصیتی آرام و بی‌هیاهو، محترم و افتاده، بی‌ادعا و پرکار، بی‌توقع و قدرشناس داشت. عشقش تاجیکستان بود و افتخارش نام‌آوران تاجیک. در قبال کشورش احساس مسئولیت می‌کرد و فرهنگ تاجیکستان بیش از موضوعات دیگر خاطر او را مشغول می‌داشت. او در سلسله مقالاتش در مجله بخارا با عنوان: «نکته‌ها و تازه‌های فرهنگی و تاریخی از دوشنبه، بخارا، سمرقند و...» ضمن ابراز پیوند بی‌گسستش با هموطنانش، ایرانیان را بیش از پیش با رسوم زیبای سرزمینش آشنا کرد. بسیاری از مدخل‌های دانشنامه جهان اسلام در باب آسیای مرکزی و افغانستان را که بالغ بر ۵۰۰ مقاله است نوشت و کتاب‌هایی را از خط سریلیک به فارسی بگرداند. رقم کتاب‌هایش به پنجاه می‌رسد. وجودش در ایران غنیمت بود و رفتنش خلأیی بزرگ در فضای علمی و فرهنگی ایران و تاجیکستان. روانش شاد و راهش پررهرو باد.

هر آنکس ز دانش برد توشه‌ای جهانی است بنشسته در گوشه‌ای
هر آنکس به دانش شد آراسته جهانی بود پر ز هر خواسته